



ونزوئلا و مشارکت در پارس جنوبی

است. قبلاً گاز تولیدی این فاز برای تبدیل به LNG اختصاص داشت و کل پروژه از حفاری چاه تا تولید LNG بصورت مجموعه یکپارچه بود. اما با مشکلات بوجود آمده در بخش LNG، پروژه مدت‌ها معطل ماند که بعداً بخش بالادستی (استخراج و تولید گاز) جدا شدند و این مسئله حل شد و امروز، بنا به گفته رئیس جمهوری ونزوئلا، این فاز مهم در اختیار شرکتی ونزوئلایی قرار گرفته است. مفید است که این خبر، در صورت صحت، از زوایای مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. می‌دانیم که روابط گسترده دو جانبه‌ای در

اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسأله زمانی اهمیت فزون‌تری می‌یابد که بدانیم رقیب قطری، ده سال زودتر از ایران تولید از این میدان را آغاز کرده و هم‌اکنون حدود دو برابر ایران گاز استخراج می‌کند.

در چنین شرایطی اجرای فازهای مختلف پارس جنوبی از فوریت ویژه‌ای برخوردار است و باید به شرکت‌هایی سپرده شود که از توانایی لازم برای تسریع در بهره‌برداری برخوردار باشند.

فاز ۱۲ پارس جنوبی از نظر میزان گاز تولیدی بر اساس برنامه ریزی انجام شده، معادل سه فاز از فازهای قبلی پارس جنوبی

آقای هوگو چاوز، رئیس جمهوری ونزوئلا، پس از بازگشت از ایران، از آغاز سرمایه‌گذاری این کشور در عملیات توسعه فاز ۱۲ پارس جنوبی خبر داد که به موجب آن احتمالاً شرکت پی.دی.وی.اس.آ، بخشی از عملیات استخراج و توسعه گاز از فاز ۱۲ پارس جنوبی را به عهده گرفته و یا در این فاز مشارکت خواهد داشت. چاوز گفت: ایرانی‌های نقطه آغازی را در اختیار ما گذاشته‌اند و آن دستیابی به فاز ۱۲ پارس جنوبی است.

پارس جنوبی عظیم‌ترین میدان گازی ایران است و به دلیل مشترک بودن با قطر از

کشوری است که در میان کشورهای عمده صادرکننده نفت به منظور گسترش عملیات نفتی خود اقدام به امضای قراردادهای سرمایه‌گذاری به ارزش ۶۱ میلیارد دلار با شرکای چینی و روسی کرده است. از طرفی بین ایران و روسیه رقابتی بر سر ورود به بازارهای گاز، خصوصاً بازار اروپا، وجود دارد. از این رو روابط نزدیک ونزوئلا با روسیه در این زمینه اهمیت پیدا می‌کند.

۳. طبق شواهد و مدارک موجود، از زمان ملی کردن میادین نفتی در ونزوئلا در دوره آقای چاوز، میزان تولید نفت خام این کشور ۲۳ درصد کاهش یافته است.

۴. به گفته آقای چاوز، شرکت نفت دولتی ونزوئلا بدهی‌های بیش از چهار میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری خود به شرکت‌های نفتی فعال در صنعت نفت این کشور را تا پایان سال جاری، پرداخت می‌کند. این بدهی سبب به تعلیق در آمدن عملیات حفاری برخی از شرکت‌ها در این کشور شده است. چاوز با تأکید بر این که از وقوع بحران اقتصادی در ونزوئلا جلوگیری خواهد کرد، افزوده: «ونزوئلا برنامه‌های خود را برای تأمین مالی و اعطای وام به بخش‌های تولیدی، بازسازی، تجاری و خدماتی افزایش خواهد داد».

۵. وزیر نفت ونزوئلا گفت: شرکت توتال فرانسه و ونزوئلا سرمایه‌گذاری به مبلغ ۲۵ میلیارد دلار به منظور توسعه میدانی واقع در منطقه Orinoco خواهند کرد. قرار است تولیدات نفتی ونزوئلا با استفاده از سرمایه‌گذاری‌های خارجی افزایش یابد.

۶. هنگام بستن قرارداد با هر کشور خارجی، وضع اقتصادی آن کشور و میزان اتکای آن به فناوری دیگران، باید در نظر گرفته شود. ■

مدیر مسئول

بسیار کمتری دارد. همچنین ونزوئلایی‌ها با داشتن ذخائر فراوان نفت سنگین، تجربه زیادی در بهره‌برداری از این میادین دارند و میدان نفت سنگین گوه‌موند می‌تواند عرصه مناسبی برای همکاری با ونزوئلا باشد.

هنوز معلوم نیست که آیا توافق مورد اشاره آقای چاوز بین دو کشور در حد قرارداد بوده یا نه. به هر حال نکته مهم این است که در هر توافق یا قراردادی باید دقت کرد تا سه دلیل بالا- در بهره‌برداری از فاز ۱۲ هیچ‌گونه تأخیری حاصل نشود.

هنگام بستن قراردادها و توافقنامه‌های مرتبط با فاز ۱۲ پارس جنوبی، داده‌هایی چند را باید در نظر داشت، از جمله:

۱. باتوجه به وضعیت روابط ایران با غرب، بسیاری از دولت‌های غربی، خصوصاً ایالات متحده، ترجیح می‌دهند که گاز حوزه مشترک پارس جنوبی، عمدتاً از چاه‌هایی که رقیب قطری به آنها دسترسی دارد، استخراج شود. بعید نیست که در این زمینه پیمان‌های نانوشته‌ای هم وجود داشته باشد.

۲. طی هفته‌های اخیر ونزوئلا تنها

حاضر میان دو دولت ایران و ونزوئلا برقرار است منطقی است که فرض بگیریم فرصت‌های سرمایه‌گذاری متقابلی که احتمالاً ونزوئلایی‌ها برای ایران فراهم کرده‌اند، در توافقی که آقای چاوز به آن اشاره می‌کند، تأثیرگذار بوده است. به عبارت دیگر، در چنین روابطی این انتظار بجایی است که ایران نیز توسعه میدانی را به ونزوئلا واگذار کند. اما باتوجه به حساسیت پارس جنوبی، و محدود بودن میزان توانایی فنی ونزوئلا، به نظر می‌رسد که واگذاری میادین دیگری برای این‌گونه همکاری‌های دو جانبه می‌توانست همین منظور را در روابط دو کشور برآورده کند و در اولویت قرار گیرد.

ایران میادین مستقل فراوانی دارد که به اهمیت پارس جنوبی نیستند، و اگر در بهره‌برداری از آنها تأخیری صورت گیرد، زیان این تأخیر کمتر از زیان تأخیر در بهره‌برداری از فازهای پارس جنوبی خواهد بود، و به هر حال عدم النفع محروم شدن همیشگی از گاز یا نفت آنها وجود ندارد. مثلاً حوزه غیرمشترک گازی پارس شمالی که نسبت به پارس جنوبی اهمیت و فوریت

